

# آجال امم

## (( زندگی و مرگ ملی ))

« زندگی و مرگ نژادی در بین حیوانات . شگفت انگیزترین فصل »  
« دیرین شناسی یا دوره حکومت خزندگان . خط موازی تاریخ طبیعی »  
« پیچیدگی مسئله فوق بیماریهای فردی با امراض اجتماعی . طبیب »  
« نمایان درد افزا . صاعقه های دبیحی . آجال امم از طریق وحی . »  
« شرائط بهره برداری . آیات قرآنی و فاکیشان بموافق و پیمانهای »  
« الهی . جزیه دهندگان خوارمایه سبب چیست ؟ و مسئول کیست ؟ »  
« دعوی تقیه ، یاسرپوش جبن و بددلی . چند خبر . »

یک جنبه مهم از آثار تاریخ طبیعی که افکار دانشمندان این فن را در توجیه و تعلیل آن بشدت قبضه نموده ، زندگی و مرگ نژادی است که در بین جانداران زمینی مشاهده شده است .

دیرین شناسی علمی است که از نژادهای مختلف گیاهان و جانورانی که در ادوار و اعصار گذشته بادت توانای صنع و ایجاد قدم بعرضه حیات گذاردند و بدوره بلوغ و قدرت خود رسیدند و اکنون فقط آثاری از آنها بنام فسیل یا سنکوازه در دست است ، بحث مینماید  
شگفت انگیزترین فصل این علم ، فصلی است که از بیوگرافی خزندگان روی زمین بحث مینماید .

این خزندگان بزرگترین جانوران روی زمین را تشکیل میدادند

و طول بعضی از آنها بشصت متر میرسد . و در دوران دوم عده آنها بقدری زیاد و دارای اقسام مختلف بودند که این دوران را بنام دوره حکومت خزندگان اسم گزاری کردند .

ولی با آنهمه نیروی جسمانی که داشتند بععل نامعلومی روبه زوال گذاشته و نسلشان منقرض گردید و کنجکاو و پی جوئی دانشمندان برای علل انقراضشان تا کنون ب نتیجه نرسیده است .

بموازات این خط از آثار تاریخ طبیعی ، خطی از آثار حیات اجتماعی موجود است که نشان میدهد ، امتیائی از نوع انسان در قرون گذشته قدم بعرضه حیات اجتماعی گذاشته و دوران صباوت و کودکی را بتندی یا کندی طی نمودند و بندوره شباب و جوانی خود رسیدند ولی ناگهان اجل بسراغشان آمده و بغتة در پنجه عفریت سقوط و مرگ دچار شدند .

این موضوع بغرنج و پیچیده از مهمترین مسائل اجتماعی بشمار میآید و در راه حل آن نخستین درسی را که صاحب نظران با کوششهای طاقت فرسا فرا گرفتند ، این بوده : همانطوریکه بنیه هر فردی در معرض خطر بیماریهای مختلف است ، بنیه هر امت و ملت نیز در معرض خطرهای گوناگون است با این تفاوت که تشخیص بیماریهای فردی و درمان آن بمراتب آسان تر از تشخیص بیماریهای اجتماعی و درمان آنهاست بلکه بهمان نسبتی که پیکرو بنیه اجتماعی عظیمتر از پیکرو بنیه فردی است بهمان نسبت نیز تشخیص دردهای اجتماع و علاج آنها مشکلتر است .

شناخت علل بیماری يك فرد با محدودیت عمر و ناچیزی عوارض

زندگی فردی ، برای طبیب ماهر با وجدان غالباً دشوار است. بدیهی است که معرفت صحیح بیماری امت و ملت و مداوای آن چه اندازه مشکل است و بهمین جهت است که حکماء دردشناس و رجال اصلاح طلب در میان امم مختلفه عالم نادر الوجودند برخلاف ، فساد انگیزان اصلاح نما بسیار همچنانکه مداوای طبیب نماهای تپی دست از دانش و وجدان جز افزودن درد و رنج نتیجه‌ای ندارد و بسا که مداوای آنان سبب مرگ بیمار میشود همچنان مداوای آنها که **بگزار افه لاف اصلاحات اجتماعی** میزنند در صورتیکه کمترین اطلاع از شئون امت و انواع و اقسام بیماریهای آن و عواملی که مولد روح اجتماعی است ندارند، معیناً بناحق لباس رسای اصلاح ملت و امت بر قامت ناموزون خویش که سنگر شیاطین است مینمایند و هزاران فساد در بنیان اجتماعی پدید می آورند در نتیجه ابرهای تیره بدبختی تمام افق چنین جامعه‌ای را احاطه و صاعقه‌های شرر بار تفرقه و ترس و وحشت باریدن میگیرد ، نظام تعاون و همکاری ، جای خود را بتنازع و تلاعن میسپارد و بحکم سنت تغییرنا پذیر الهی در کام غاشیه محو و نابودی فرو می روند .

مسئله حیات و مرگ امت و ملت « آجال امم » از طریق وحی بوسیله انبیاء علیهم السلام بمردم اعلام شده و قیم کتابهای آسمانی یعنی قرآن مجید در چندین مـوضع این زنگ هشدار را بصدا در آورده و سنن حیات اجتماعی و عوامل هبوط و مرگ آنرا باطرز بسی سابقه ای بیان نموده است که در این مقال له ببعضی از آنها اشاره میشود :

« لكل امة اجل فاذا جاء اجلهم لا يستأخرون ساعة ولا يستقدمون »

اعراف ۳۴ (هر امتی را اجلی است که چون فرارسد لحظه‌ای در تقدیم و تأخیر آن قدرت ندارند) همانظوری که بهره‌برداری و تحصیل آثار مطلوب از عناصر و مواد طبیعت منوط بوجود مقتضی و شرائط و فقدان موانع است و داشتن ماده یا شرط یا مقتضی بتمنّائی کفایت نمیکند، همچنین بهره‌برداری از عناصر امت و تولید سعادت در امت نیز منوط بماده صالح و وجود مقتضی و شروط و فقدان موانع است.

قرآن کریم اصول فضائل را در هر ملتی مواد سعادت و سیادت آنان معرفی نمود و مآدای آنی که اصول فضائل در امت ثابت باشد نعمتهای الهی از آنها مسلوب نمیشود و زیادت و نقصان نعم الهی مربوط بشدت و ضعف فضائل است.

در صورت سقوط فضائل و سنجایی عالی انسانی که عنصر صورت سعادت است سقوط امت حتمی و ذلت بجای عزت و رنج و شقاء عوض راحتی بهره‌آنان میشود و دست ستمگران بر همه‌شئون آنان باز می‌گردد، گریه و زاری سودی ندارد و بقایای صورت عمل شرعی فائده‌ای نمیبخشد، دعاهایشان مستجاب نمیگردد مگر اینکه با اصول فضائل که موضوع و ماده رحمت‌های واسعه الهی است توبه و بازگشت نموده و در پناه مبادی عالیّه نفسانی و صلاح عمل، مجد و عزت خویش را بازیابند. در حقیقت سعادت و عزت و مجد و شرف امتها و آجال آنان بصورت قضیه مشروطه عامه است یعنی سیادت و سعادت برای امت بالضروره ثابت است مادامی که اصول فضائل در آنان ثابت و محکم باشد و گرنه! نه «ولقد کتبنا فی الزبور من بعد الذکر ان الارض یرثها عبادی الصالحون» انبیاء ۱۰۵ (و ما بعد از تورات در زبور داود نوشتیم که بندگانی

شایسته و نیکوکارما وارث ملک و سیادت زمین خواهند بود )

« و اذا اردنا ان نهلك قرية امرنا متر فيها ففسقوا فيها فحق عليها القول فدمرناها تدميراً » اسرا ۱۶ « وقتی که اراده نابودی اهل دیاری را کردیم پیشوایان خوشگذران آن دیار را برمی انگیزانیم که فسق و انحراف از ضوابط فضائل را پیشه خود سازند و در نتیجه عقاب بر آنان حتمی است و همه را نابود و محوم می‌کنیم » .

« حتی اذا اخذنا متر فیهم بالعذاب اذا هم یجأرون . لاتجاروا الیوم انکم منالانصرون مؤمنون ۶۴-۶۵ » .

« تا اینکه خوشگذرانهای افراط پیشه را بکیفر اعمالشان بگیریم در این هنگام فریاد دعا و خدا خدای آنان بلند شود . » گفته شود بآنها « که امروز فریاد نکنید زیرا دعای شما بی‌اثر و هیچگونه مدد و یاری از جانب ما نخواهد شد » .

این آیات کتاب حکیم است که جامعه را بصراط مستقیم سعادت رهنمائی میکند و اسباب سقوط درسراشویی بدبختی و مرگ اجتماعی را روشن می‌سازد .

درسایه تعلیمات عالیه قرآن آن چنان امت عظیمی پدید آمد که در مقابل عظمت و اقتدار آنها همه قدرتهای جهان آن روز خاضع شدند با اینکه در ابتدای تکوین و تشکیل از وسائل طبیعی پیشرفت یعنی اسلحه و اقتصاد تهی دست بودند اما مواد اساسی سعادت و سیادت یعنی نیروی ایمان و فضائل و سجایای انسانی و صلاح عملی بوسیله قرآن در روح و جان آنان فراهم آمده بود که وارث ملک و زعامت در روی زمین شدند و باعلی ذروه عزت و مجد نائل گردیدند امپراطورهای عظیم آن روز

با کمال ذلت و خواری بپرداخت جزیه تن دادند «لله العزة و لرسوله و للمؤمنين» «وكان حقا علينا نصر المؤمنين» .

بلی امت اسلام در آن روز با اعتقاد ثابت و وعده خدا و ندمتعال را باور داشتند و تعهدات مقالی و حالی خویش را در مقابل پروردگار با خلوص انجام میدادند خدا و ندمتعال پاداش آنان را عزت و شوکت در دنیا و سعادت در آخرت عنایت می فرمود آنجا بر استی معتقد بودند که هیچ امتی از عرش عزت و حیات شرافت مندانه بخصیض ذلت و مرگ ساقط نمیگردد مگر در صورت سرپیچی از سنن حکیمانۀ الهی . و رفاه و امنیت و اقتداری که خداوند بپهر قومی عطا فرمود باز نمیگیرد مگر اینکه آن قوم مبادی عالیۀ نفسانی خویش را یعنی نور خرد و فکر صحیح و تدبیر در تاریخ امم گذشته ای که از صراط عدل الهی عدول کردند از کف دادند و در نتیجۀ رأی مستقیم و صفاء سریرت و عفت از شهوات و پشیمانی از معنویات و شجاعت و حمیت از آنان سلب و در همت و عزیمت سست و ضعیف شدند و با فرومایگی طاقت فرسا و خواری جانگاہ خو میگیرند و زندگی ننگین را بر سر بازی در اعلاء کلمۀ حق و مرگ سپیمانۀ تر جیح می دهند ، قضای تخلف ناپذیر الهی از آستین مرگ اجتماعی بیرون می آید و همة آثار ملی و مذهبی آنان را در گورستان محو برای عبرت آیندگان فرو می برد .

امروز که شماره افراد مسلمان بصد ها میلیون میرسد معذک سرزمینها و منابع ثروت و اموالشان مورد تاراج سرسخت ترین دشمنان شان میباشد و حیثیت و شرف و ناموس ملی و مذهبی آنان را بیغما میبرند و با کمال خواریمایگی و ذلت بدولتهای اجنبی از مال و ناموس خود با سهمای

مختلف چیزی می دهند!!

سبب این همه بدبختیها چیست؟ و مسئول کیست؟

آیا آن همه عزت و سیادت از ما بدون جهة و سبب سلب شده؟ با اینکه بر سیره سلف صالح ثابت قدم هستیم مع هذا سنت الهی تغییر پذیرفته و قبل از اینکه مبادی عالیہ نفسانی ما تغییر پذیرد نعمتهای الهی از ما گرفته شده و بجای آن نعمتهای توان فرسا نصیب ما شده؟ معاذ الله، معاذ الله «ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یرعوا ما بانفسهم (رعد) ان الله لا یخلف المیعاد بلکه وعده و وعید الهی درباره ما بار و روشن ترین مظاهر خود جلوه گری کرده.

این ما نیستیم که برای دفاع از حیثیات ملی و مذهبی خود راضی نبوده و نیستیم که حقوق واجبه مالی را بپردازیم؟

این ما نیستیم که پلاس زنده زندگی ننگین را بر لباس مقدس فداکاری در نصرت حق و عدالت ترجیح میدهیم؟

این ما نیستیم که برای ادامه این مرگ بنام زندگی و مستور ساختن عفونت جبین و ترس از زندان و حرمان از شهوت و شکم و ترس از شهادت در صراط انسانیت با مغالطه « وضع مالیس بعله مکان العلة » بسنگر تقیه پناهنده شده و با تأمین خور و خواب و آرمان ننگین، قرآن مجید و نوامیس الهی را برایگان در معرض تاراج دشمنان خدا و ندقاهر منتقم قرار داده ایم؟

این ما نیستیم که برای توجیه این مغالطه صریح بیشر مانده ترین افتراء را بخاندان عصمت و طهارت صَلَوَاتُ عَلَیْهِمُ روا داشته ایم! مگر آنها نقره بودند! : اذا نزلت نازلة فاجعلوا انفسکم دون

دینکم و اعلموا ان الهالك من هلك دينه والحريب من حرب دينه اه»  
 «چون مصیبتی و گرفتاری برای دین جلو آید جانهای خود را  
 سپر بالای دین کنید و بنانید هلاکت واقعی در بیدینی است»  
 مگر ما مصداق این حدیثی که از رسول الله صلوات الله علیه روایت  
 شده نیستیم!

: «يوشك ان تداعى عليكم الامم كما تداعى الاكلة الى قصعتها  
 فقال قائل : ومن قلة نحن يومئذ ؟ قال : بل انتم يومئذ كثير ولكنكم  
 غثاء كغثاء السيل ، وسينزعن الله من صدور عدوكم المهابة منكم و  
 ليقذفن في قلوبكم الوهن قال قائل : يا رسول الله وما الوهن ؟ قال : حب  
 الدنيا و كراهية الموت»

«نزدیک است که امم مختلفه عالم برای هضم حیثیات و منافع شما  
 باهم بر رقابت کشمکش کنند همانظوری که چوپانان بر روی کاسه  
 چوبین هنگام خوردن رقابت دارند . کسی پرسید که این بدبختی از  
 کمی عدد ما است؟ فرمودند : خیر بلکه عددش مادر آن روز زیادولی  
 همچون گیاه خشکی هستید که دستخوش سیلاب باشد . خداوند  
 هیبت شما را از سینه دشمنانتان برداشته و دلهای شما خوار مایگی نهاد  
 پرسید یا رسول الله خوار مایگی چیست؟ فرمودند حب دنیا و کراهت  
 از مرگ» صدق رسول الله (ص)